

مشال



ایران‌شناسان یوگسلاوی

دکتر محمود فتوحی

۱ - احمد سودی افندی، شارح حافظ انسانی و مطالعات فرهنگی

سودی شارح معروف غزلیات حافظ از اهالی سارایوو که در سال ۱۵۹۳ میلادی درگذشت، آموزشهای اولیه را در زادگاه خود گذراند و برای تحصیلات متوسطه به استانبول و دیسار بکر ترکیه سفر کرد. او زبان و ادب فارسی را نزد مصلح الدین لاری (متوفی ۱۵۶۹م) آموخت. از ترکیه راهی دمشق شد و در آنجا نیز مدتی به تحصیل علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در آنجا برای اولین بار دید که مردم به زبان فارسی تکلم می‌کنند.

سودی در مدرسه آتمندان سرای در مقام استادی به تدریس مشغول شد. در آنجا جوانان را برای مشاغل عالی دولتی تربیت می‌کردند. در میان دانشجویان او جوانان بوشنیایی نیز حضور داشتند، از جمله آنها درویش پاشا بایزید اگیچ شاعر بزرگ اهل موستار بود. پس از مدتی، سودی از مقام استادی آتمندان سرای برکنار شد و تا پایان عمر به کارهای علمی پرداخت. در این مدت شرحهایی بر شاهکارهای ادبی فارسی به زبان ترکی نوشت که در ایران هم شهرت دارد، از جمله:

شرح دیوان حافظ: این شرح به فارسی ترجمه شده است.
شرح گلستان سعدی
شرح مثنوی معنوی

۲- درویش پاشا بایزید اگیچ

درویش پاشا بایزید اگیچ در اواخر قرن ۱۶ میلادی می‌زیست. یکی از شاعران بزرگ اهل موستار بود. در آتمندان سرای جزو جوانانی بود که برای مشاغل عالی دولتی تربیت می‌شدند. در آنجا شاگرد سودی افندی بوسنیایی شارح بزرگ آثار ادبی ایران بود. او دیوان شعری به زبان فارسی دارد.

در زادگاه خود موستار بنیادی برای تدریس و مطالعه مثنوی تأسیس کرد و از پیروان فرقه مولویه بود. وی به سال ۱۶۰۳م در نزدیکی بوداپست کشته شد. درویش پاشا مولف کتاب مرادنامه است. این اثر، ترجمه منظوم کتاب سخانامه اثر بنیایی شاعر ایرانی است.

۳- محمد بیگ کپتانویچ لیوبوشاک (۱۸۳۹-۱۹۰۲)

در ویتینا در حومه لیوبوشاک زاده شد. پدرش بخشدار منطقه بود. زبانهای شرقی را در خانواده و در موستار نزد استاد سرشناسی به نام محمد کرخیچ آموخت. به ایتالیا، مصر، ترکیه و اتریش سفر کرد. وی عهده دار مناصب دولتی همچون بخشداری، عضویت در کمیسیون اصلاحات و شهردار سارایوو و نماینده مردم بوسنی در پارلمان ترکیه بود. به تصوف و عرفان گرایش داشت و اشعار صوفیانه می‌سرود. در بوسنی کتابخانه‌ای برای مسلمانان تأسیس کرد. نقل است که بر یک طرف تابوت وی شعر فارسی و بر طرف دیگر شعر بوسنیایی نوشته بودند. مهمترین اثر او گنج مردمی (۱۸۸۶) است که ضمیمه آن به نام گنج شرقی، ترجمه حدود ۴۴۹۲ ضرب‌المثل و سخن حکیمانه فارسی و عربی و ترکی است (چاپ سارایوو ۱۸۸۹). در این اثر او سخنان و ادبیات حکیمانه‌ای از بوستان و گلستان سعدی، مثنوی، پندنامه عطار و آثار جامی به زبان صربو خرواتی ترجمه کرده است.

۴- صفوت بیگ پاشاگاجیچ (۱۸۷۰-۱۹۳۴)

در نوسنیای بوسنی به دنیا آمد. پدرش ابراهیم بیگ با شرق و فرهنگ اسلامی مأنوس بود. وی فراگیری زبان و فرهنگ شرقی را از خانواده آغاز کرد. برای خواندن زبانهای شرقی از موستار به سارایوو رفت و از ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۹ در دانشگاه وین به تحصیل در تاریخ و زبانهای شرق پرداخت. از ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ میلادی در دبیرستان سارایوو، مدرس زبان عربی بود. در ۱۹۱۰ دکترای فلسفه اسلامی و زبانهای شرق را از دانشگاه وین اخذ کرد؛ سپس به عنوان نماینده مردم بوسنی وارد پارلمان شد و به ریاست مجلس بوسنی انتخاب گردید. در بوسنی با روزنامه‌ها و مطبوعات همکاری داشت. در سال ۱۹۱۸ از سیاست کناره گرفت و در موزه

زماپلسکی کوستوس در شهر ساریوو در بخش دستنویس‌های شرقی به کار پرداخت. علاقه شدیدی به خیام و حافظ داشت. آثار شعری او سرشار از اندیشه‌های خیام و حافظ است. تا پایان عمر به ترجمه اشعار شاعران ایرانی از جمله خیام، فردوسی، حافظ و نظامی، ابن یمین، جامی، رشید و طواط و برخی اندیشه‌های امام محمد غزالی و دیگر شاعران ایرانی مشغول بود و یکی از کسانی است که بیشترین شعر فارسی را به زبان صربوخرواتی ترجمه کرده‌اند. شعر او رنگ و بوی ایرانی دارد. مجموعه‌ای از وی به نام خرابات نیز به ترجمه اشعار حافظ اختصاص داده است.

آثار وی:

رباعیات خیام، ۱۹۲۰ و ۱۹۲۸، زاگرب ۱۹۵۴، ترجمه ۲۲۷ رباعی
آثار منتخب میرزا صفوت بیگ پاشاگاجیچ، ساریوو ۱۹۷۱
بوسنی و هرزگوین در ادبیات اسلامی، ساریوو ۱۹۱۲

۵- فهیم بایراکتاروویچ (۱۸۸۹-۱۹۷۰)

فهیم بایراکتاروویچ، پرچمدار شرق‌شناسی در یوگسلاوی در ساریوو به دنیا آمد. وی بیش از چهار دهه عمر خود را وقف آموزش و تدریس در یوگسلاوی کرد. بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات بلگراد در سال ۱۹۲۵ به همت وی تأسیس شد. فهیم بایراکتاروویچ، خود شاگرد هانری ماسه شرق‌شناس مشهور فرانسه بود. فهیم تحصیلات خود در زبانهای شرقی (شاخه اسلامی: ترکی، عربی و فارسی) را در وین، لندن و الجزایر گذرانده بود و با روشهای نوین نسل دوم شرق‌شناسان قرن نوزدهم و بیست آشنایی کامل داشت. او از سال ۱۹۲۵ تدریس زبان و ادبیات فارسی را در چارچوب درس ادبیات جهانی آغاز کرد و همانطور که از معنای نامش برمی‌آید «پرچمدار» شرق‌شناسی در دانشگاه بلگراد شد (در زبان ترکی و صربی بایراک همان بیرق است) و در سال ۱۹۲۶ عملاً بخش شرق‌شناسی را افتتاح کرد. او به درستی دریافته بود که اسلام‌شناسی و مطالعات درباره شرق میانه، ناگزیر مستلزم یک مثلث زبانی عربی، فارسی و ترکی است. از طرفی مطالعه در تاریخ و فرهنگ ترکی که لازمه شناخت تاریخ و فرهنگ بالکان است با زبان فارسی پیوندی ناگسستنی دارد. دیپلماسی سیاسی ترکان عثمانی از پشتوانه مقتدر فرهنگی و دینی دو زبان عربی و فارسی برخوردار بوده و بدون شناخت زبان، تاریخ و فرهنگ ایران کار ترک‌شناسی ناقص و ابتر خواهد ماند. پروفیسور فهیم با علم به این مسائل سنگ بنای ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی را در بلگراد محکم نهاد و تا سال ۱۹۶۶ به مدت چهل و یک سال از عمر خود را صرف تدریس و تحقیق در ادبیات فارسی نمود و میراث ارزنده‌ای از خود به یادگار نهاد. مجموعه آثار فهیم به ۳۷۷ مقاله کوتاه و بلند می‌رسد که به موضوعات عربی، فارسی، ترکی و اسلامی و مقالات تطبیقی اختصاص دارد. پروفیسور بایراکتاروویچ حدود بیست سال از عمر خود را با خونسردی و صبر و تحمل به

تهیه و تکمیل رساله دکتری خود، تحت عنوان «لامیسه» اختصاص داد. او در این رساله، قصیده‌های شاعر معروف عرب «ابو کبیر الهلالی» را به زبان فرانسه برگردانده و نقدهای کوتاه و مفید بر آنها نوشته است. بایراکتاروویچ بیشترین وقت خود را صرف فرهنگ و ادبیات فارسی کرد. مقالات و نوشته‌های او درباره ادبیات و فرهنگ ایران بدون شک از مهمترین و پر ارزش‌ترین کارهای ایران‌شناسی در بالکان است. آثار وی از لحاظ روش علمی، بسیار دقیق و قابل اطمینان و از لحاظ هنری و سبک ترجمه نیز الهام بخش هستند. یکی از آثار وی که در یک فضای جذاب و روشن به مردم اروپا عرضه شد. داستان «رستم و سهراب» از شاهنامه فردوسی بود که در اروپا از جایگاه مهمی برخوردار است. از دیگر آثار او می‌توان گزیده شعر شاعران ایرانی، با عنوان «اشعار پارسی» اشاره کرد. این کتاب، حاصل کارطاعت فرسای او در ترجمه ادبی بود. در این کتاب آثار ۴۵ شاعر ایرانی را می‌توان دید. اثر بعدی بایراکتاروویچ «خیام شناسی» است که در طول عمر خود کوشش فراوان داشت که به ماهیت اندیشه‌های زیبا و فلسفی خیام پی ببرد. اولین مقاله بایراکتاروویچ نیز در سال ۱۹۲۳ با عنوان از ستون پارسی منتشر گردید. ناگفته نماند که نوشته‌های بایراکتاروویچ، مرجع زبان و ادبیات فارسی به شمار می‌آید. آثار فهیم مورد استقبال فراوان قرار گرفت و این نشانگر علاقه وافر مردم یوگسلاوی و اروپا به ادبیات فارسی است. پروفسور آنجلکا میتروویچ، کتاب مبسوطی در باره اندیشه و سبک تحقیقات دکتر فهیم به رشته تحریر در آورده است.

آثار پروفسور فهیم در زمینه مطالعات ایران‌شناسی:

- غزلیات فارسی (قطعاتی از سعدی) ۱۹۲۶
 فردوسی و رستم و سهراب (در ۲۴ بخش)، بلگراد، انجمن ادبای صربستان ۱۹۲۸
 میراث ادبیات فارسی، بلگراد ۱۹۵۸
 آثاری از ادبیات نوین فارسی، بلگراد ۱۹۵۶
 ترجمه اشعار فارسی دوره ساسانیان نوشته آرتور کریستن سن، بلگراد ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷
 یک متن فارسی درباره نبرد کوزوو، بلگراد ۱۹۵۳
 مروری بر ادبیات امروز تاجیک و فارسی، اثر یان ریپکا، بلگراد ۱۹۵۶
 تأثیر شرق بر گونه، بلگراد ۱۹۳۹
 مروری بر ادبیات ایران، اثر یان ریپکا، بلگراد ۱۹۶۴
 عمر خیام بزرگترین شاعر جهان، بلگراد ۱۹۶۵
 فیتزجرالد و عمر خیام، بلگراد ۱۹۲۷
 تفسیری بر فردوسی قهرمان ملی. اثر هانری ماسه ایران‌شناس فرانسوی، بلگراد ۱۹۳۷
 خیام در نزد ما، بلگراد ۱۹۶۴
 حافظ، سارایوو ۱۹۱۳
 ایران به عنوان هدف مسافران و ماجرا جویان خارجی، بلگراد ۱۹۳۹

گلچین اشعار فارسی، بلگراد ۱۹۷۱
مروری بر ترجمه رباعیات خیام، صفوت بیگ پاشاگاجیچ، بلگراد ۱۹۵۴
ترجمه سیصد رباعی عمر خیام که گل سرسبد آثار اوست.

۶- ماریا جوکانوویچ (۱۹۲۳-۱۹۸۳)

وی در موستار به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در شهرهای ساریوو، یریزرن و نیش به پایان برد. در دانشکده زبانهای شرقی بلگراد، شاگرد پروفیسور فهیم بایراکتاروویچ بود. وی تحصیلات خود را در بخش شرق‌شناسی همین دانشکده به اتمام رساند و از ۱۹۶۷ پس از مرگ استاد، کار او را در بخش شرق‌شناسی دنبال کرد و تا سال ۱۹۷۹ استاد ایران‌شناسی بخش



شرق‌شناسی بود. وی به هنگام فوت در سال ۱۹۸۳ بالغ بر ۴۰ اثر تحقیقی و تألیفی در زمینه‌های مختلف از خود به یادگار گذاشت که البته شمار بسیار اندکی از آنها به ادبیات و فرهنگ ایران مربوط می‌شود.

مقاله: کرسی زبان‌شناسی شرقی، در کتاب صد سال دانشکده ادبیات ۱۹۵۹ ص ۹۹
مقالاتی درباره فردوسی، خیام، سعدی، مولوی، جامی.

۷- دارکو تاناسکوویچ

در سال ۱۹۴۸ در زاگرب به دنیا آمد و تحصیلات عالی را در دانشکده ادبیات و زبانهای بلغراد در سال ۱۹۷۱ به پایان برد و راهی تونس شد. او استاد زبانهای عربی و ترکی است و مدتی نیز عهده‌دار ریاست دانشکده ادبیات و زبانهای شرقی بود. وی از شاگردان برجسته فهیم بایراکتاروویچ بود که از سال ۱۹۷۱ تدریس و تحقیق را در بخش ایران‌شناسی دانشکده ادبیات بلغراد شروع کرد. از سال ۱۹۸۰ کرسی ایران‌شناسی، در این بخش توسط پروفیسور دارکو تاناسکوویچ اداره می‌شد. پروفیسور تاناسکوویچ به مدت هشت سال تدریس ادبیات فارسی را ادامه داد. اما از سال ۱۹۷۸ به تدریج درس فارسی از برنامه بخش شرق‌شناسی دانشکده حذف شد. زبان فارسی و ایران‌شناسی، تقریباً تا سال ۱۹۸۷ رسماً در بخش شرق‌شناسی تدریس می‌شد؛ اما از آن پس تعطیل شد و در محاق فراموشی فرو رفت. او در سال ۱۹۹۵ سفیر یوگسلاوی در ترکیه بود و هم اکنون سفیر صربستان و مونته‌نگرو در واتیکان است.

از آثار او در زمینه ایران‌شناسی:

رساله در تصوف، بلغراد ۱۹۸۱

پیشگفتار بر چاپ دوم رستم و سهراب، بلغراد ۱۹۸۳ ص ۹-۱۵

قصه‌های ایرانی

مقاله‌ای درباره شعر فارسی به همراه مجموعه منتخبی از اشعار فارسی، مجله مستوری،

بلغراد، سال سوم ۱۹۷۲

نگاهی به بوف کور صادق هدایت

شهرزاد دوباره در بین ما، مروری بر ترجمه روسی هزار و یکشب به قلم مارکو

ویدیویکوویچ

۴۴

۸- شاکر سیکریچ (وفات ۱۹۶۷)

او استاد تمام وقت بخش زبانهای شرقی دانشگاه ساریوو بود که در میانه قرن بیستم به اوج شهرت خود رسید. پروفیسور عمر موشیچ گزارشی از کار و زندگی او را در مجله وحید (تهران، سال پنجم، ش ۱۹۶۸-۵۵، ص ۶۶۵-۶۶۸) به چاپ رسانده است. از کارهای اوست:

دستور زبان فارسی، به زبان صربی، ساریوو ۱۹۵۱

لاله زار فارسی، درس فارسی، ۱۹۵۵

قصه‌های شرقی، زاگرب ۱۹۶۲. در این کتاب ۴۹ حکایت از گلستان و ۱۷ قصه از منابع

دیگر فارسی ترجمه شده است. (بخش فارسی، ص ۱۴۹-۱۹۷)

۹- بشیر جاکا

متولد ۱۹۳۷ در جمهوری مونته‌نگرو، پس از تحصیلات ابتدایی در زادگاهش برای ادامه تحصیل به بوسنی رفت و وارد مدرسه اسلامی غازی خسروبیگ ساریوو شد. سپس در

دانشکده فلسفه دانشگاه ساریو در رشته شرق‌شناسی (زبان فارسی) به تحصیل پرداخت. پس از تحصیلات دانشکده فلسفه دانشگاه ساریو برای تدریس زبان فارسی از او دعوت به عمل آورد. در سال ۱۹۶۴ برای تحصیل در دوره دکتری به ایران رفت و در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در محضر استادانی همچون خانلری، ذبیح‌الله صفا، سیدحسین نصر، محمد مقدم، بهرام فره‌وشی و خانم شیرین بیانی حضور یافت. با نوشتن پایان‌نامه‌اش در زمینه مقایسه حماسه‌های ملی ایران و حماسه‌های ملی یوگسلاوی، در سال ۱۹۶۸م. موفق به اخذ درجه دکتری زبان فارسی از دانشگاه تهران گردید. از آثار اوست به زبان صربی:

حماسه ملی ما و شاهنامه فردوسی، چاپ دانشگاه ساریو، ۱۹۷۶

شعر معاصر ایران، چاپ کروشواتس، ۱۹۷۹

منتخب افسانه‌های ایرانی، چاپ ساریو

تاریخ ادبیات ایران، چاپ ساریو، ۱۹۹۹

ترجمه سه حکیم مسلمان نوشته سیدحسین نصر، چاپ دانشگاه ساریو

مقالات

عمرخیام، در مجله اسلامسکا میسائو، ساریو، سال ۱۳، ش ۱۵۴، اکتبر ۱۹۹۱

۴۵

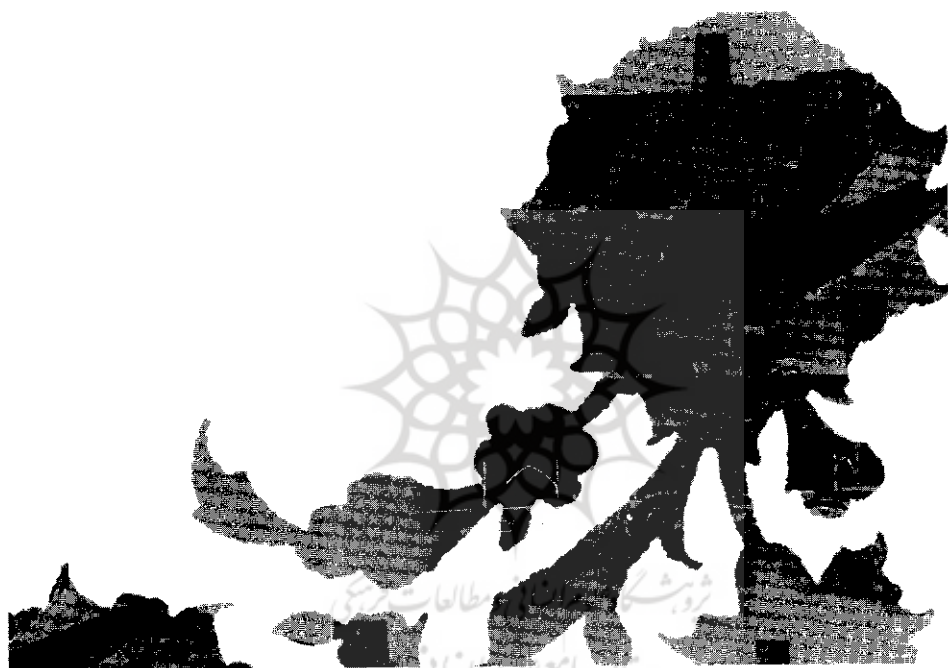
۱۰- عمر موشیچ (۱۹۰۳-۱۹۷۲)

در ساریو متولد شد. مدرسه علمیه ابتدایی و دبیرستان شریعت و حقوق اسلامی را در همان شهر به پایان رساند. سپس در مدرسه قاضی خسرویگ به تدریس درس دینی و زبانهای شرقی پرداخت. همزمان با تأسیس بخش شرق‌شناسی دانشگاه ساریو به تحصیل در زبانهای عربی و فارسی پرداخت. از ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۵ در انستیتوی شرق‌شناسی ساریو به کار مشغول بود. نسخه خطی را شناسایی و معرفی کرد. از ۱۹۷۵ به طور نیمه وقت به تدریس زبانهای فارسی و عربی در دانشکده فلسفه ساریو اشتغال داشت.

۱۱- راده بوژویچ (متولد ۱۹۳۹)

یکی از ایران‌دوستان پرشور و اسلام‌شناسان نامدار در بالکان است. او از حامیان تأسیس کرسی زبان فارسی در دانشکده ادبیات بلگراد است و در حال حاضر با جدیت برنامه تأسیس انجمن دوستی ایران و صربستان و مونتنگرو را دنبال می‌کند در سال ۲۰۰۲ میلادی به ایران سفر کرد و در دیدار با مقامات دانشگاهی و فرهنگی بر تقویت روابط فرهنگی دو کشور ایران و صربستان تأکید داشت. در ذیل شرح حال او به قلم خود استاد که از عربی ترجمه شده است می‌آید:

« من راده بوژووویچ متولد صربستان در ۳۱ ماه آوریل ۱۹۳۹ هستم. در سال ۱۹۶۲ با مدرک کارشناسی از بخش شرق شناسی دانشکده زبانها و ادبیات بلغراد که از قدیمی ترین و اصیل ترین بخشهای شرق شناسی در اروپای شرقی و بالکان است، فارغ التحصیل شدم. پس از آن برای گذراندن دوره تخصص ۱۳ ماه در بغداد بودم. در بازگشت به وطن، یک سال در موسسه دولتی همکاریهای فرهنگی علمی مشغول به کار شدم و سپس به عنوان استادیار در رشته زبان عربی دانشکده ادبیات آغاز به کار کردم و از ۱۹۶۵ تا امروز در این بخش به تدریس و تحقیق مشغول هستم. در همان سال، سه ماده درسی جدید را با عنوانهای تاریخ ادبیات معاصر عرب، تاریخ فرهنگ عربی و تاریخ زیباشناسی عربی، وارد برنامه آموزشی رشته



۴۶

عربی کردم. از آن زمان این موضوعات را توسعه دادم و به نشر مقالات و تحقیقات و ترجمه آثار ادبی و فرهنگی عرب پرداختم. در طول این مدت بالغ بر ۲۵۰ مقاله و ۱۶ کتاب منتشر کرده‌ام. آخرین کتابهای من عبارتند از:

دیوان فلسطین (گزیده شعر فلسطینی)
 مفاهیم اسلام (قاموس الاسلام)
 فرهنگ عربی به صربی (شامل ۷۰۰۰ واژه)

کتاب آموزش زبان عربی جدید (چاپ چهارم) در زمره این ۱۶ کتاب است. کتاب اخیر در مدارس اسلامی یوگسلاوی سابق تدریس می‌شد. من بیش از همه شرق شناسان یوگسلاوی به ترجمه آثار ادبی عرب همت گماشته‌ام. در سال ۱۹۸۷ جایزه انگشتر طلایی را به

خاطر ترجمه‌هایم دریافت کردم. ۱۲ سال پیش از آن، رساله دکتری خود را با عنوان «نقش عرب در حماسه‌های مردمی صرب» به پایان برده بودم. در سال ۱۹۹۶ جایزه روزنامه‌ای در سبک طنز جهانی را دریافت کردم. کتابی نیز به زبان عربی دارم با عنوان «به سوی گفتگوی فرهنگی» (مجموعه مقالات و پژوهشها در مجلات مختلف). از آغاز دهه هشتاد عضو ثابت مجلس علمی تونس و عضو اتحادیه ادبای صربستان هستم. در بسیاری از همایشها و سمینارهایی که در کشورهای عربی برگزار شده شرکت کرده‌ام. همچنین در تأسیس مجله‌ای برای مسائل شرق‌شناسی و نیز در هیات تحریریه برخی مجلات ادبی شرکت داشته‌ام. در این سالها چندین بار سرپرستی بخش شرق‌شناسی و معاونت دانشکده بر عهده من بوده و در چهار سال اخیر نیز رئیس دانشکده زبانها و ادبیات بلگراد بودم».

مقاله در ایرانشناسی: نگاهی به عمرخیام، نشریه ادبیات، بلگراد ۱۹۶۶، ص ۸۲-۸۴

۱۲- آنجلکا میتروویچ

متولد ۱۹۵۱، در سال ۱۹۷۴ از بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات و زبانهای بلگراد در رشته زبان و ادبیات عربی فارغ التحصیل شد و در ۱۹۸۱ دوره زبان و ادبیات ترکی را در همین بخش به پایان برد. در ۱۹۷۵ برای تکمیل زبان عربی به دانشگاه قاهره رفت و پس از یکسال به بلگراد بازگشت و در ۱۹۴۴ موفق به اخذ درجه دکتری در بخش شرق‌شناسی شد. پایان نامه وی درباره سبک و اندیشه و آثار فهیم بایراکتاروویچ در سال ۱۹۹۶ توسط انتشارات دانشکده ادبیات بلگراد به چاپ رسید. از ۱۹۷۷ در کتابخانه بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات آغاز به کار کرد و سپس به درجه استادیاری رسید. ایشان از سال ۲۰۰۲ تاکنون ریاست بخش شرق‌شناسی دانشکده ادبیات بلگراد را عهده دار است. از مقالاتی که درباره ادبیات ایران و ترجمه‌های ایرانی به صربی نوشته‌اند می‌توان آثار زیر را نام برد:

نقدی بر ترجمه هفت پیکر نظامی، مجله نور بلگراد ۲۰۰۲

درباره فهیم بایراکتاروویچ و عمرخیام، بلگراد ۱۹۹۷

۷۵ سال ایران‌شناسی در یوگسلاوی، مجله نور بلگراد ۲۰۰۲

سمرقند نوشته نجیب معلوف، بلگراد ۱۹۸۹

درباره عمرخیام، مجله نور بلگراد ۲۰۰۲

هزار سال شاهنامه، بلگراد، مجله ادبیات ۱۹۹۹

۱۳- دیان بوگدانویچ

متولد ۱۹۳۰، تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران گذراند و در موسسه زبانهای شرقی پاریس مشغول به کار شد. وی سندبادنامه را از فارسی به فرانسه ترجمه کرده است. زمینه اصلی تحقیقات وی زبان و ادبیات فارسی در کشورهای بالکان است.